

نقش چهار عنصر در زندگی ما
(آب، باد، خاک و آتش)

گردآورنده و مترجم:
مریم الهی

انتشارات بهترین نگاه

۱۳۹۴

سرشناسه: الهی، مریم، ۱۳۶۲، گردآورنده، مترجم

عنوان و نام پدیدآور: نقش چهار عنصر در زندگی ما (آب، باد، خاک و آتش) / گردآورنده و مترجم مریم الهی.

مشخصات نشر: کرج: بهترین نگاه، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۲۴۵-۱-۸

وصف مبسوط فهرست نویسی: فیبا

داده‌ها: کتابنامه: ص. ۱۵۳.

موضوع: عناصر اربعه

موضوع: فلسفه طبیعت

رده بندی کتاب: ۱۷۲/۹۴ BD۵۸۱/الف

رده بندی دیویی: ۱۱۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۰۱۰۰۴

نام کتاب: نقش چهار عنصر در زندگی ما (آب، باد، خاک و آتش)

گردآورنده و مترجم: مریم الهی

ناشر: بهترین نگاه

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۴

تیراژ: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۲۴۵-۱-۸

شماره پخش: ۰۹۱۹۰۰۳۵۴۲۶

behtarinegah@gmail.com

«حق چاپ محفوظ است.»

فهرست

۵	مقدمه
۱۹	آتش گرمابخش
۲۲	برقراری ارتباط با عنصر آتش
۳۳	آب حیات بخش
۴۹	قدرت سحرانگیز هوا
۷۵	آب و خاک زروبخش
۹۷	صنای پُرتنین
۱۱۳	نور
۱۳۳	استفاده از نم‌های شگفت‌انگیز
۱۳۷	روش چرمه‌نمایی
۱۴۹	ایجاد تغییر از طریق خاله‌مایمان
۱۵۳	منابع

مقدمه

دنیای فیزیکی ما از چهار عنصر طبیعی تشکیل شده است: آب، باد، خاک و آتش. تمام شی‌ها از ترکیبات متفاوت این عناصر تشکیل می‌شوند. این عناصر چهارگانه موجب تغییراتی در دنیای فیزیکی ما می‌شوند. آنها به ما انرژی می‌بخشند، بر شخصیت ما تاثیر می‌گذارند و تا حدی به ما کمک می‌کنند که معنی باشیم. اگر بیاموزید که چگونه این عناصر را تحت اختیار و تسلط خود درآورید، شما می‌توانید نیروهایتان و جان طبیعت را تحت تسلط خود درآورید.

همچنین، هر عنصر به شما در خردش بر امور یا اشیاء تاثیر می‌گذارد. بنابراین، آب نشان دهنده احساسات است، یعنی عشق، است که اغلب مورد استفاده قرار می‌گیرد. آتش مسئول ذهن و شرف است. خاک بر رفتار ما تاثیر می‌گذارد. باد مسئول آرزوهای هر یک از ما است.

چهار عنصر مهم حیات

حیات پیچیده‌ترین راز هستی است که متأسفانه ما آن را به درستی نشناخته‌ایم. در زمین چه چیزی نهفته است که ما را از رفاه به سمت خود می‌کشد و وادار به پرسش می‌کند؟ زمانی که بشر از گهواره‌ای که سالهای سال در آن می‌زیست فراتر رفت، پاسخ این سوال بر او روشن شد. پیش از رفتن انسان به فضا، حیات همیشه مهمترین پرسش بشر بوده

است. این که حیات از کجا آغاز شده است؟ پاسخ ساده این است که حیات از ابتدایی‌ترین گونه‌ها انشعاب یافته است. حیات فرآیندی است که در طول میلیون‌ها سال کامل شده است. هر چه می‌گذرد تغییری در ساختار موجودات روی می‌دهد.

نیم نگاهی به جهان ماده و موجودات، حاکی از حرکت و تکاپوی همه موجودات، از آغاز ورود به دایره هستی تا انتهای عمر محدود خود در جهان مادی، در مسیری مشخص و به سوی مقصدی معین است. آفرینش هر موجودی با برنامه‌ریزی کامل و در ارتباط و هماهنگی با مجموعه موجودات هستی می‌باشد. تمام اجزای این مجموعه هماهنگ، نسبت به همدیگر موزن و متاثر می‌باشند. نظم و هماهنگی موجود در آفرینش همه موجودات و موجودات هستی، دلیل بر وجود هدف و غرضی برای آفرینش است و نشان از مدبری عالم، با اراده‌ای حکیمانه دارد. چنانکه قرآن کریم نیز در آیات متعددی به این حقیقت اشاره می‌فرماید:

(إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ؟ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَالِغًا سَاعَاتٍ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و در پی آمدن آمدن شب و روز، برای خردمندان نشانه‌هایی [قانع‌کننده] است، همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته، و به پهلوی آرامیده یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [که]: پروردگارا، این‌ها را بیهوده بیافریده‌ای؛ منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار. (سوره آل عمران آیه ۱۹۰ و ۱۹۱).

چهار فصل زندگی و چهار عنصر حیات به نوعی تشکیل دهنده جهان هستی هستند. در این دنیای پهناور، وجود انسان، حیوان، گیاه و مواد

کانی (معدنی) است که گردش مدور حیات و چرخه آن از انسان به حیوان و بعد گیاه و بعد مواد کانی را در بستر زندگی بوجود می‌آورد. وجود چهار فصل در حیات آدمی همانند «درخت زندگی»، با رویکردی فلسفی و متافیزیکی به جهان، وجود طبیعت و نظم هوشمندانه مستتر در آن و پایداری حیات را باز می‌تاباند.

با دقت نظر در تاریخ ملاحظه می‌کنیم که نیاکان ما دریافته بودند که چهار عنصر حیات اثرات فراوانی در زندگی آنها دارد و در واقع می‌توان گفت حیات بخش زندگی آنهاست. این چهار عنصر به عنوان سنبل حیات انسان و فلسفه وجودی زندگی انسان همیشه در نظر گرفته شده و نقش فراوانی داشته است.

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ
خدا آسمانها و زمین را به حق (و نظم) آفرید و شما آدمیان را به زیباترین صورت برنگاشت، بازگشت همه خلایق به سوی اوست. (آیه ۲ سوره التغابن).

بسیاری از فلاسفه قدیم با شکل از چهار عنصر اصلی تشکیل دهنده جهان برای توضیح الگوهای موجود در طبیعت اعتقاد داشته‌اند. شکل یونانی این اعتقاد که به دوران پیش از سقراط باز می‌گردد، در طول قرون وسطی و رنسانس نیز به حیات خود ادامه داد و تأثیر خود را بر اندیشه و فرهنگ اروپایی و دیگر ملل برجای گذاشت. در یونان باستان چهار عنصر اصلی عبارت بوده از آتش، خاک، باد و آب که این الگ تقرباً در همه جا وجود داشته است. عناصر اربعه یا عناصر چهارگانه (به پارسی سره چارآخشج یا چهارآخشج) چهار عنصر آتش، خاک، باد و آب هستند که یونانیان باستان آن‌ها را عنصرهای سازنده جهان می‌دانستند.

آنها نور خورشید را مخلوطی از هوا و آتش تصور می‌کردند و یخ را همان آب می‌دانستند که سختی سنگ را به دست آورده است. اگرچه این دیدگاه ممکن است بسیار عامیانه به نظر برسد، اما اثرهایی ژرف بر درک

امروزی ما از جهان دارد. یکی از این آثار، توجه به حالات ماده است. مفهوم ماده و انرژی را می‌توان از اعتقاد به عناصر اربعه برداشت کرد. خاک نماینده حالت جامد؛ آب نمادی از حالت مایع و هوا یادآور حالت گازی است. به این ترتیب سه عنصر نخست حالات سه‌گانه ماده را یادآور می‌شوند. اثر دیگر معرفی آتش است.

یکی از بزرگترین و ساده‌ترین نشانه‌های دریافت الهامات بشری «وحدت طبیعت»، بخصوص وجود چهار «عنصر حیات» در آن، یعنی آتش و خاک و باد و آب است. اگر کمی دقت کنید در می‌یابید که هیچ اختراع یا اکتشی در دنیا وجود ندارد که یکی از این چهار عنصر در آنها دخیل نباشد. مثلاً اگر شمع در شیمی صورت می‌گیرد، حتماً «عنصر آب» و برخی عناصر رنگ در آن دخالت دارند و یا اگر فضاپیمایی به فضا فرستاده می‌شود، شمع آتش و باد در آن دخالت مستقیم دارند و یا اگر معدنی یا مکانی کشف می‌شود، حتماً خاک و عناصر دیگر در آن دخیلند و خلاصه همه و همه اینها، شهراتی هستند که خداوند متعال آنها را برای ارشاد و راهنمایی بیشتر ما انسان‌ها در دل طبیعت قرار داده است. ولی متأسفانه اکثر انسانها به آنها نه تنها توجه، بلکه نامهربان هستند. با اینکه وجود و ماهیت تمام موجودات از خاک و عناصر تشکیل شده آن هستند، اما متأسفانه اساساً بیشتر انسانها از آن بی‌بهره هستند.

محیط‌زیست طبیعی عبارت ترکیبی از دانشهای متفاوت در علم و مجموعه عوامل زیستی و محیطی در غالب محیط زیست و غیر زیستی (فیزیکی، شیمیایی) است که بر زندگی یک فرد یا گونه تأثیر می‌گذارند و از آن تأثیر می‌بینند. امروزه این تعریف غالباً به انسان و فعالیت‌های او مرتبط می‌شود و می‌توان محیط زیست را مجموعه‌ای از عوامل طبیعی کره زمین، همچون هوا، آب، اتمسفر، صخره، گیاهان و غیره، که انسان را احاطه می‌کنند، خلاصه کرد.

خصوصیات این عناصر به گفته افلاطون

آتش نماینده مفهوم انرژی و بیانگر تغییراتی است که انرژی در ماده و حالات آن به وجود می آورد. بدین ترتیب مفهوم ماده و انرژی را به آسانی می توان از دیدگاه پیشینیان، برداشت کرد. اینکه یونانیان در برهه ای از تاریخ چنین دیدگاهی داشته اند درست است، اما این موضوع ارتباط خاصی با این که چنین دیدگاهی نخست از کدام اندیشه برآمده است، ندارد. بسیاری بر این عقیده اند که نخستین کسی که بحث عناصر طبیعت و اجزایم به آن ها را پیش کشید، «زرتشت» بوده است.

البته این اعتقاد به چهار عنصر بسیار پیش از این در ایران، هند، چین و خاور دور نیز رواج داشته اند و به راحتی می توان حضور آن را در عقاید زرتشتی، بدایه و هندو نشان داد. در یونان باستان، چهار عنصر اصلی آتش، خاک، باد و آب بودند، که این الگو تقریباً در همه جا تکرار شده است. افلاطون این عناصر را دارای ریشه های سقراطی می داند. محققان درباره مشابهت این چهار عنصر بنیادین در بسیاری از فرهنگ ها تذکر داده اند که این چهار عنصر پایه حیات برای انسان ها بوده اند. خاک غذای ما را تامین می کند. آب و باد لازمه ادامه حیات ما و خورشید و آتش گرمابخش زندگی بوده است.

نقش و اهمیت چهار عنصر حیات بر اندیشه و محیط زندگی آن

عنصر آتش: عنصر آتش با شناسای جهت جنوب فصل تابستان و رنگ قرمز مرتبط است. این عنصر معمولاً با مثلث قرمز خون، شمع، باقوت نشان داده می شود. آتش نمایانگر انرژی است. هیجان و مردنیست. آتش با روشن کردن شمع حضور می یابد. ظهور این عنصر توسط خورشید، صاعقه، آتشفشان و یا هر شکلی از نور امکان پذیر است و اعتقادی وجود دارد مبنی بر این که هر شکلی از گربه ساران مخصوصاً شیر یا ببر ماهیت

آتشی دارند و همچنین تمام موجودهای درنده مثل گرگ و موجودهای علوی مثل سمندر و عنقا، اردها و شاهین. در چین و ژاپن آتش با یک پرنده سرخ، آرتک‌ها با سنگ چخماق، هندو با صاعقه و مسیحیت با شیر نشان داده می‌شود. حضور نماد آتش نشان دهنده اراده شخصیت و رشد و توسعه انرژی است. آتش معمولاً با جاه‌طلبی، رضایت، هماهنگی و تعادل مرتبط است و اراده واقعی را نشان می‌دهد.

عنصر خاک: خاک با شناسای جهت شمال، فصل زمستان و رنگ سبز مرتبط است. خاک معمولاً با مربع سبز، طبل، پوست حیوانات، سکه، شیر، ضربان قلب، جواهرها، استخوان، چوب بلند نشان داده می‌شود. خاک نشانگر قدرت و پایداری است. در مناسک رسمی خاک از طریق دفن کردن اجسام در آن، گمان یا ساخت چوب یا سنگ حضور پیدا می‌کند. تجلی عنصر خاک معمولاً به شکل گیاهان، درختان و کوه‌ها، جنگل، غار و باغ است. در میان حیوانات سبزه‌رو، گاو، خرگوش، خرس و مار، تمامی حیوانات زندگی‌کننده زیر خاک مثل موش کور و خرگوش نمایندگان عنصر خاک هستند. در چین و ژاپن نماد لاک پشت، در آرتک‌ها خانه، در هندو نیلوفر آبی، در ایران پرنده در مسیحیت با گاو نماد نشان داده می‌شود. حضور خاک نشان دهنده راه مالی، تجاری، پولی، خانه، فامیل، امنیت فیزیکی است و همچنین عنصر خاک بخشی از مادر زمین است. هر چیزی که شکلی مادی داشته باشد، بخشی از طبیعت خاک به حساب می‌آید.

مهم‌ترین آثار فعالیت‌های انسان بر روی خاک عبارت‌اند از مسمومیت و فرسایش که موجب تخریب و کاهش توان زمین‌های زراعی می‌شوند. به طور کلی فرسایش خاک پدیده‌ای طبیعی است که به وسیله عواملی چون باد، رواناب‌های سطحی و تغییرات دما انجام می‌گیرد. با این حال، فعالیت‌های انسان از جمله زراعت مفرط، آبیاری زمین‌های زراعی،

محصولات تک‌گشتی، چریدن بیش از حد دام‌ها در مراتع، جنگل‌زدایی و بیابان‌زایی باعث از بین رفتن تعادل موجود میان روند تخریب و ایجاد خاک، و در نهایت آلودگی آن می‌شوند. مسمومیت خاک می‌تواند در اثر افزایش نمک‌های خاک توسط ماشین‌آلات کشاورزی و یا آلودگی مستقیم آن توسط افراد یا کارخانه‌ها ایجاد شود. در این صورت خاک، ناحاصل‌خیز و حتی سمی برای برخی از گیاهان می‌شود.

عنصر باد: باد با شناسای جهت شرق، فصل بهار و رنگ زرد مرتبط است. باد را مولا با دایره زرد، فلوت، پر، شیشه، زنگ، ناقوس، الماس و سوت و سحر و شمشیر نشان داده می‌شود. این عنصر نشان دهنده هوش و فرزانی، ارتباطات و نیروهای ذهنی مرتبط است. در مناسک رسمی، از طریق قرار دادن سیاه در معرض باد، آوازه‌ها و معلق کردن اشیاء تجلی پیدا می‌کند. باد، آسمان، طوفان، ابر، آواز پرندگان، بخصوص عقاب و باز و هر چیزی که پرواز کند نشان دهنده این عنصر است. باد در چین و ژاپن با اردهای آبی، در آرتک با خاکستری و در هندو و یونان با شمشیر و در مسیحیت با عقاب نشان داده می‌شود. حضور عنصر هوا معمولاً نماد امور روحانی، رشد فکری، منطق‌گرایی و الهی است. حوزه‌های اندیشه مانند علم منطق و نوآوری‌های مرتبط با ارتباطات و شناسایی و گفتاری نیز تحت سلطه عنصر باد هستند. با این وجود، هر حاکمی انجام شود، عنصری از باد در خود دارد. زیرا، در لحظه‌ای به شکل حرف و فکر وجود دارد.

عنصر آب: با شناسایی جهت غرب، فصل پاییز و رنگ آبی مرتبط است. این مفهوم گاهی با یک هلال آبی و جام سنگ کوچک و لاجورد، از نمایی می‌شود. آب در علوم سری نشان دهنده هیجان‌ها و احساس‌ها می‌باشد. حمام‌های رسمی و رهاسازی اشیاء در تلاطم آب کاربرد دارد. در اندیشه تاتو، آب نشانه هوش و فرزانیست. اما حجم زیاد آن باعث مشکل شدن انتخاب و پیگیری امور می‌شود. با این که عنصر آب به راحتی بر عنصر

آتش غلبه می‌کند، اما خود تحت سلطه عنصر خاک است. آب به شکل‌های رود، دریا، دریاچه، اقیانوس، چشمه، مه و باران ظاهر می‌شود. در میان حیوان‌ها دلفین، فوک، لاک پشت و ماهی‌ها نشان دهنده آن هستند. همچنین موجودات علوی مانند اژدها و پری و مار دریایی با آن در ارتباط هستند و در چین و ژاپن لاک پشت سیاه نماد آب است.

فلسفه گایا

گایا زمین را به عنوان یک اَبَر موجود زنده معرفی نموده است. چرخه مواد غذایی حاصل از خاک و سنگ که بر اثر جویبارها و رودخانه‌ها به جریان می‌افتد را به گردش خون در بدن جانوران تشبیه می‌کند. در این تشبیه، رودخانه‌ها در حکم رگ‌ها، جنگل در حکم ریه و اقیانوس به مثابه قلب زمین است. برطبق همین نظریه، تمام موجودات زنده دارای یک سیستم عصبی می‌باشند. کره زمین نیز دارای چنین سیستم عصبی می‌باشد که به آن «شبکه مغناطیسی» می‌گویند که هم از درون خود و هم از طریق جهان کیهانی دائماً شارژ می‌گردد. خاک زمین که دارای خاصیت رسانایی حاصل از گازها، فلزات، کریستال‌های معدنی و الکترولیت‌ها می‌باشد، دائماً شبیه به یک میدان الکتریکی شارژ و دشارژ می‌گردد. مواد معدنی بطور طبیعی هادی جریان هستند. خاصیت یونی این کریستال‌های معدنی، حرکات آب و گردش آن را در زیر و روی زمین بوجود می‌آورد. باران، امواج دریاها، آبشارها و رودخانه‌ها و ... در مدارهای الکتریکی زمین و روی زمین حرکت می‌کنند.

با این حال، گایا دیدگاه کاملاً جدید و گسترده‌تری را مطرح نمود. بر اساس نظریه گایا، موجودات زنده فقط جزئی از یک فرآیند کلی‌تر «حیات» در سیاره ما هستند. به عبارتی، این «کل سیاره زمین» است که زنده محسوب می‌شود و هر یک از موجودات، در واقع همانند سلول‌های

این موجود زنده هستند. بدین ترتیب، نه تنها موجودات از محیط سیاره خود تأثیر می‌پذیرند، بلکه بر این محیط نیز به گونه‌ای تأثیر می‌گذارند. موجودات زنده در زمین، تنها تحت تأثیر محیط پیرامون خود نیستند، بلکه بر محیط نیز تأثیر می‌گذارند.

بر پایه نظریه گایا، کره زمین زنده و آگاه است؛ آب دورتا دور آن را احاطه کرده و فعالیت‌های یونی‌اش را به وجود آورده است. این فرایند «یونی» جریان انرژی را در زمین به وجود می‌آورد که بر تمام ابعاد حیات اثر می‌گذارد. این نظریه، زمین را آبر، موجودی زنده می‌داند که دارای روح بزرگ است و در جهت تکامل جهان هستی پیش می‌رود که هدفی پویا دنبال می‌کند. بنابر پژوهش‌های انجام شده، زمین فقط یک کره ساد نیست، بلکه در زیر چین‌خوردگی‌های سطحی خود خطوط انرژی در گردش دارد.

حدود ۱۶ حلقه انرژی را بالا به پایین کره زمین را احاطه کرده است. این انرژی دارای فرکانسی است که حیات کره زمین را در ابعاد فیزیکی و روحی برقرار می‌سازد. حلقه‌های انرژی هر کدام حول محوری در چرخش و متأثر از حرکت زمین به دور خورشید، ماه به دور زمین، و ابعاد بزرگتری از چرخش مربوط به خورشید در کهکشان «راه شیری» است. در محل برخورد این حلقه‌های انرژی که به ماهیت آب و خاک درون زمین ایجاد می‌شوند، ۵۲ چرخه به وجود می‌آید که می‌توانند خواص الکتریکی یا مغناطیسی ویژه‌ای را نمایان سازند. این چرخه‌های انرژی (چاکراها) مرز گسل‌ها، لبه‌های صفحه‌های تکتونیکی، بمکز تنوع زیستی، مراکز تمدن‌های باستان، مسیرهای مهاجرت جانوران و سایر حوادث طبیعی کنونی را به وجود می‌آورند. ۵۲ چرخه انرژی در زمین مثلث‌هایی با سه رأس پراثری هستند که ۱۵۶ مرکز انرژی یا ورتکس را روی کره زمین ایجاد می‌کنند. زمین از درون این ورتکس‌ها نفس می‌کشد.

طبیعت و مظاهر شکوهمند آن

طبیعت با تمامی مظاهر شکوهمند و مهیبش، در عین حال مهربان و بخشنده بوده و هست، و صد البته که خود باطنی طبیعت، بسیار رمزآلود و باشکوه جلوه می‌کند. در اصل تناظر، نسبت میان این باطن باشکوه با فطرت و ذات انسان برقراری خاصی دارد. به همین دلیل، طبیعت، در فرهنگ سنتی دیروز و امروز ما معنای درونی و برونی خود را دارد؛

عناصر طبیعی با تمامی خصوصیات، نمادها و منسوبتشان در زندگی مردم رسوخ کرده و در خانه، اتاق، اداره، شرکت، سبک معماری و هنری، تبلور می‌یابد. ماده‌های آتش، خاک، باد و آب در تمامی ملل و دوراها، نقشی تعیین‌کننده الهی داشته و منابع آنها مظهر تقدس و پاکی و آفرینش بوده را بطور جدی بسیاری را به وجود آورده است.

رویکرد اسطوره‌ای به عناصر چهارگانه در فرهنگ ایرانی

عناصر چهارگانه آتش، خاک، باد و آب در اندیشه و باور حکیمان گذشته جایگاه و اهمیت فراوانی داشتند، چنانکه آنان اساس جهان را همین عناصر می‌پنداشتند و این عناصر برای آنها مراد نخستین یا ماده المودیا، ماتریا، پریما تلقی می‌شد. به واسطه ترکیب این عناصر بود که موجودات و عناصر دیگر خلق شده است. در واقع، با ترکیب این عناصر و میزان آنها، برای هریک از این چهار عنصر تا بی‌نهایت استعداد خلق ترکات جدید وجود داشت. این عناصر فقط در باورهای فلسفی و حسی رایج نبودند، بلکه در شعر و تخیل انسانها نیز حضور داشتند. ارتباط گذستگان با این عناصر تنگاتنگ و حیاتی بود، چنانکه اگر یکی از آنها نبود، یا میزان و چگونگی آن دچار تغییر می‌شد، زندگی انسان به خطر می‌افتاد. لطافت و رحمت از یک سو و ترس و وحشت از دیگر سو موجب تعلق احساسات انسان به این عناصر و نیز حضور آن در تخیل می‌گشت. همچنین این عناصر در قدیمی‌ترین حکایت‌های انسانی حضوری جدی دارند.

انسان‌ها از دوره‌های ماقبل تاریخ عناصر چهارگانه آتش، خاک، باد و آب را گرمایی می‌دانستند و ارج می‌نهادند و آن را به وجودآورنده عالم و گرداننده نظام هستی می‌دانستند. ارتباط میان طبیعت و عناصر چهارگانه در چندین سطح می‌تواند وجود داشته باشد. زیرا، از یک رو این عناصر موضوع و مضمون بسیاری از آثار هنری و ادبی بوده و از سوی دیگر این عناصر به عنوان اجزاء سازنده خود در هنر حضور دارند. این عناصر به عنوان مضمون اثرمندی خود می‌توانند به شکل‌های بیانی گوناگون و در سبک‌های مختلف ظاهر گردند.

همچنین عناصر می‌توانند موضوع و مضمون یکی از شاخه‌های گوناگون هنر همچون نقاشی، موسیقی و نمایش باشند. از نظر بیانی و سبکی نیز می‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم یعنی «فلگوراتیو» یا نمادین و استعاره‌ای مطرح گردند. این عناصر در معماری شهرسازی و حجم‌سازی مورد توجه بوده‌اند. مثل شاهنامه هنگامی که به آفرینش هستی می‌پردازند بی‌سرنگ بحث پرفسور (هر تسفلد) نشان را «گردونه مهر» یا «گردونه خورشید» نامیده که عواذ آن را صلیب شکسته می‌دانند. ایرانیان این علامت را در ارتباط با عناصر چهارگانه (آخشیج) یعنی همان چهار عنصر حیات دانسته و معتقد بودند که این چهار آخشیج دخالت اصلی را در گرداندن نظام هستی دارند و «ساحه از این علامت که بی شبهات به یک آسیاب بادی نیست، جایگاه یک عنصر یا مظهر یکی از این عناصر است.

در این حالت هر چهار عنصر با هم و با چرخش خود نظام طبیعت و ذات آفرینش را حفظ می‌کنند و حرکت و تغییر یا حیات و مدت را به وجود می‌آورند. رفته رفته این پیکره به صورت سمبل درآمد و در اثر تداعی معانی با دیدن آن، عناصر چهارگانه در ذهن جایگزین می‌شده و احترامات مذهبی خاصی به عمل می‌آمده است.

چهار عنصر حیات و طبیعت

منظور از طبیعت عالم مادی است، یعنی عالمی که با حواس مان در ارتباط هستند. در قرآن کریم متجاوز از ۷۵۰ آیه وجود دارد که در آنها به پدیده‌های طبیعی اشاره شده است. در غالب این آیات خداوند متعال سفارش‌های فراوانی به انسان‌ها نموده تا با مطالعه کتاب آفرینش و تدبر در آن، بتوانند هرچه بیشتر و بهتر به کمال مطلوب برسند.

عبیعت‌شناسی می‌تواند معرفت انسانها را نسبت به خداوند افزونی بخشد و نیز می‌تواند آنها را قادر سازد که از امکاناتی که خداوند برای خیر و سعادت ابدشان فراهم کرده است استفاده کنند. در قرآن آیات زیادی داریم که بشر را به مطالعه طبیعت دعوت می‌کنند: همچون «قل انظروا ماذا فی السموات والارض...» (بگو بنگرید که در آسمان و زمین چه چیزهایی است...، سوره بقره، آیه ۱۰۱).

«و فی الارض آیات للمعینین فی انفسکم افلا تبصرون» (و در زمین برای اهل یقین نشانه‌هایی است، پس زمین طور در نفوس خود شما، آیا به چشم بصیرت نمی‌نگرید؟). (سوره ذاریات، آیه ۲۱-۲۰).

«قل سیروا فی الارض فانظروا کیف خلقنا الذلک...» (بگو در زمین سیر کنید و ببینید که خداوند چگونه خلقت را ساز کرد...، سوره عنکبوت، آیه ۲۰).

گرچه هدف غائی طبیعت‌شناسی از دید قرآن افزودن معرفت انسانها نسبت به خداوند و تقرب به اوست، اما به عنوان اهداف متوسط می‌توان یک رشته مسائل را ذکر کرد که پی بردن به آنها مقدمه رسیدن به آن هدف نهایی می‌باشد.

نتیجه

بر روی سیاره ما، تمام موجودات زنده اغلب از چهار عنصر اصلی ساخته

شده‌اند: کربن، اکسیژن، نیتروژن و هیدروژن. چهار فصل زندگی و چهار عنصر حیات (آتش، خاک، باد، آب) به نوعی تشکیل‌دهنده جهان هستی است.

استفاده صحیح از چهار عنصر حیات یکی از راه‌هایی است که به روی همگان باز است. اما، بهره‌گیری از تجربه و تعقل پیشینیان و صاحبان حکمت می‌تواند به خوبی بشر را به نقطه اوج و کمال مطلوب برساند.

www.ketab.ir